

## اخلاق پزشکی در گستره ادبیات فارسی با تکیه بر معالجات مشهور ابن سینا

اکبر کلاهدوزان\*

مریی گروه ادبیات فارسی و

معاون آموزشی دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی

### چکیده:

مضامین متون ادب فارسی که برگرفته از آیات الهی و روایات معصومین (ع) می باشد در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسانها تاثیر بسزایی دار. از گفتار دانشمندان در این حوزه ی دانش بشـری می توان به ارزش والای دانش پزشکی حسن ارتباط پزشکان و بیماران و تاثیر اعتقادات دینی در علاج بیماران اشاره نمود. صفحات زرین ادب فارسی حاوی توصیه هایی است که می تواند اعتقاد- توکل- رازداری را در جامعه پزشکان تقویت نماید و راهگشای آنها در ارتباط با بیماران و اطرافیان باشد. لذا در این مقاله سعی شده است گزیده ای از متون ادب فارسی که سیره پزشکان (اخلاق پزشکی) به نوعی در آن بیان شده است با تکیه بر معالجات مشهور ابن سینا انتخاب گردد و از سه جنبه مورد بحث قرارگیرد:

الف) ارتباط پزشکان با خداوند و تاثیر آن در تشخیص و علاج بیماری

ب) ارتباط پزشکان با بیماران

ج) ارتباط پزشکان با سایرین و اهمیت اطرافیان در علاج بیماران

امید است با مطالعه تحقیق پزشکان محترم با مسئولیت الهی خویش بیشتر آشنا شده و بیماران نیز حقوق آنها را محترم شمارند.

کلمات کلیدی: اخلاق پزشکی، ادبیات فارسی، بیمار،

\*آدرس: اصفهان - خیابان هزار جریب، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی

تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۲۲۷۹۸    شماره: ۰۳۱۱-۶۶۸۴۷۹۹



## ارزش اخروی دانش پزشکی

- در کتاب کلیله و دمنه در باب برزویه طیب در این زمینه چنین آمده است  
 «پوشیده نماند که علم طب نزد همه خردمندان در تمامی دینها ستوده است و بهترین پزشکان آن است که معالجه بیماران  
 را به جهت توشه آخرت انجام دهد. که بملازمست این سیرت نصیب دنیا هر چه  
 ۳  
 کامل تر بیابد و رستگاری عقبی مدخر گردد...» (۴)

«... به صواب آن لایق تر که بر معالجت مواظبت نمایی و به آن التفات نکنی که مردمان قدر طیب ندانند لکن در آن نگر  
 که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاص طلبیده آید آمرزش  
 ۴  
 بر اطلاق مستحکم شود. (۴)

## اهمیت نقش پزشک و جایگاه طبابت در دین مبین اسلام

پزشک در جامعه اسلامی از جایگاه رفیع و با ارزشی برخوردار است در گفتار بزرگان دین این حرفه و کسانی که  
 دست اندرکار این پیشه باشند ستوده شده اند. برای وضوح مطلب به روایات زیر اشاره می شود.

حضرت صادق (ع) فرمودند: مردم در کارهای دنیا و آخرت خویش به سه کس نیازمندند. اگر فاقد آنها شدند  
 در زندگی خود مردمی بی تدبیر خواهند بود. آن سه کس عبارتند از:

۱- فقیهی دانشمند و پرهیزکار (فقیه عالم و رع)

۲- امیر یا فرمانروایی که به فرمانش گردن نهند (امیر خیر مطاع)

۳- پزشکی بصیر و مورد اعتماد (طیب بصیر و ثقه)

همچنین در روایات معصومین (ع) مضامینی از این قبیل به چشم می خورد.

سه چشم است که در آتش نمی سوزد: چشمی که برای حراست از مرزهای میهن اسلامی بیدار بماند  
 چشمی که برای انابه و دوری جستن از گناهان گریه کند. چشمی که برای معالجه ی بیمار و اظهار همدردی بیدار باشد.

## ارتباط پزشکان با خداوند و تاثیر آن در تشخیص و علاج بیماران

۱- توکل بر خداوند سبحان

۱-۱- داستان کنیزک و پادشاه

برای پرداختن به این موضوع می توان به داستان کنیزک و پادشاه اشاره کرد. لذا ضرورت دارد به عنوان مقدمه  
 اصل داستان به طور مختصر بیان شود.

اصل داستان حکایتی است که به علی بن ربن، طبیب ایرانی- که در نیمه ی قرن سوم مشهور بوده است- نسبت داده اند.  
 برخی منابع این داستان را به ابوعبدا... بن مسلم بن قتیبه ی دینوری معاصر علی بن ربن نسبت داده اند، اما نظامی  
 عروضی در کتاب چهارمقاله این داستان را مربوط به ابن سینا دانسته است. در این کتاب بیان شده است ابوعلی سینا  
 اینگونه طبابت را برای یکی از خویشان شمس المعالی قابوس بن وشمگیر انجام داده است. سید اسماعیل جرجانی از

اطبای قرن ششم نیز در کتاب ذخیره ی خوارزمشاهی این شیوه ی درمان را به ابن سینا نسبت داده است. آغاز داستان از اینجا شروع می شود (۷۵ و ۷۶)

پادشاهی به قصد شکار به بیرون شهر رفت در بین راه کنیزی زیبا چهره دید و عاشق او شد. وی را خریداری کرد ولی به محض اینکه شاه از دیدار او بهره گرفت کنیزک بیمار می شود. پادشاه طبیبان را خبر می کند و برای معالجه کنیزک به آنان وعده ی زر و سیم می دهد پزشکان نیز به خاطر خودنمایی و غلبه ی حب جاه از علاج بیمار سخن به میان می آورند و از عجز بشر و قدرت خداوند غافل ماندند. در اینجا مولانا اشاره ای دقیق دارد. این طبیبان از یاد خداوند غافل بودند البته نه به خاطر آنکه الفاظی از قبیل ان شاء... و یا لاحول و لاقوه الا... را بر زبان نیاوردند بلکه به خاطر عدم ادراک این حقیقت که موثر اصلی وجود ذی جود باری تعالی می باشد. (۷۵ و ۷۶)

۸	۷	۶
ترک استثنا مرادم قسوتیست	نی همین گفتن که عارض حالتسیست	
ای بسا ناآورده استثنا بگفت	جان او با جان استثناست جفت	

در این دو بیت شیوه ی توکل به ذات احدیت بسیار خوب بیان شده است. مولانا بر این نکته اصرار دارد که منظور از گفتن ان شاءالله با زبان و بدون اعتقاد قلبی کافی نیست و باید اعتقاد به قدرت حق برای طبیب اعتقاد قلبی و با تمام وجود باشد. لذا هر کدام از پزشکان به پادشاه گفتند برای درمان کنیز بسیار تلاش می کنیم و با یکدیگر همفکری می کنیم و به تلاش خودشان بیشتر از عنایت حضرت حق، اعتماد داشتند.

۹		
جمله گفتندش که جان بازی کنیم	فهم گرد آریم و انبازی کنیم	
هر یکی از ما مسیح عالمی است	هر الم را در کف ما مرهمی است	

بهر حال چون طبیبان مغرور و خودبین بودند و مشیت خداوند را نادیده گرفتند خداوند عجز و

۱۰

درماندگی آنان را به خودشان نشان داد.

۱۲	۱۱
«گر خدا خواهد» نگفتند از بطر	پس خدا بنمودشان عجز بشر
هر چند کردند از علاج و از دوا	گشت رنج افزون و حاجت ناروا
۱۳	۱۴
از قضا سرکنگبین صفرا نمود	روغن بادام، خشکی می فزود
از هلیله قبض شد اطلاق رفت	آب آتش را مدد شد همچو نفت

## ۲-۱- مداوای نزدیکان مامون توسط بختیشوع

بختیشوع یکی از نصارای بغداد بود طبیعی حاذق بود و مرتب به خدمت مامون می رسید. یکی از نزدیکان مامون را اسهال افتاد بختیشوع را بفرستاد تا معالجت او بکند. او انواع معالجت کرد اما فایده ای نداشت سرانجام از کار دست برداشت و نزد مامون خجل گشت. مامون به او گفت ما به قضای خداوند رضا داده ایم. بختیشوع چون مامون را مایوس دید گفت یک معالجت دیگر باقی ماند. اگر خدای باری تعالی راست آرد انجام می دهم. آن معالجت انجام داد و بیمار بهبود یافت. اطباء از او پرسیدند «این چه مخاطره بود که تو کردی» گفت «آخر در مسهل امید است و در نادادن هیچ امید نه، بدادم و توکل بر خدا کردم که او تواناست و باری تعالی توفیق داد و نیکو شد» (۸)

و طبیب اگر در شناختن علت درماند بخدای عزوجل باز گردد و از او استعانت خواهد و اگر در علاج فروماند هم به خدای بازگردد و از او مدد خواهد که بازگشت هم بدوست.

## ۳-۱- توصیه به توکل به خداوند برای پزشکان برگرفته از کتاب ذخیره خوارزمشاهی

«این همه سببها است که از بیرون تن او را از حال به حال می گرداند و یار می شود با سببهای تباه کننده که از اندرون اوست و تن او را فراز هم آورده اند از آن چنانکه یاد کرده آمد، لاجرم کوشیدن صورت را اندر نگاه داشتن این پیوند اثری نیست، پس به ضرورت چیزی بایست که این صورت را یاری دهد از بیرون تا قوت او تمامتر باشد و آن علم طب است که ایزد تعالی ارزانی داشته است و هر گاه که ایزد تعالی تقدیر کرده باشد که تنی را این اتفاق نیفتد که صورت با تدبیر طبی یار شود این پیوند میان مایهای آن به تقدیر ایزد دیرتر بماند و چندانکه بماند این تن نیک حال تر

۱۵

باشد و تن درست تر، و اگر بیمار شود از بیماری آسان تر و زودتر بیرون آید» (۹)

## ۲- تایید الهی و تشخیص نیکو

پزشک باید دوستدار حق باشد تا خداوند او را در معالجه ی انواع امراض صعب العلاج راهنمایی کند. پزشک باید اعتقاد داشته باشد که خداوند قادر است او را در تشخیص بیماری بسیار کمک کند. در چهار مقاله ی نظامی عروضی در این خصوص چنین آمده است «طبيب تا مويد نبود بتايد الهی جيدالحدس (تشخیص نیکو) نبود و هر کس

۱۶

جيدالحدس نبود به معرفت علت (بیماری) نرسد ..... تا تايد الهی باستصواب او همراه نبود فکرت

۱۷

مصيب (درست) نتواند بود. (۸)

۱-۲ معالجه ی بیماری مالیخولیای یکی اعزه ی آل بویه یکی را از اعزه آل بویه مالیخولیا پدید آمد، و او را در این علت چنان صورت بست که او گاوی شده است. همه روز بانگ همی کرد و این و آن را همیگفت که ((مرا بکشید که از گوشت من هریسه نیکو آید)) تا کار بدرجه ای بکشید که نیز هیچ نخورد و روزها بر آمد و نهار کرد و اطبا در معالجت او عاجز آمدند. پس چون اطبا از معالجت آن جوان عاجز آمدند، پیش شاهنشاه ملک معظم علاءالدوله آن حال

بگفتند، و او را شفیع برانگیختند که خواجه را بگوید تا آن جوان را علاج کند. علاء الدوله اشارت کرد، و خواجه قبول کرد. پس گفت: ((آن جوان را بشارت دهید که قصاب همی آید تا ترا بکشد.)) و با آن جوان گفتند. او شادی همیکرد. پس خواجه برنشست همچنان با کوبه بر در سرای بیمار آمد، و با تنی دو در رفت، و کاردی بدست گرفته گفت: ((این گاو کجاست تا او را بکشم؟)) آن جوان همچو گاو بانگی کرد، یعنی اینجاست. خواجه گفت: ((بمیان سرای آریدش و دست و پای او ببندید و فرو افکنید)) بیمار چون آن شنید بدوید.

و بمیان سرای آمد، و بر پهلوی راست خفت، و پای او سخت بیستند. پس خواجه ابوعلی بیامد و کارد بر کارد مالید و فرو نشست، و دست بر پهلوی او نهاد چنانکه عادت قصابان بود. پس گفت: ((وه! این چه گاو لاغری است! این را نشاید کشتن، علت دهیدش تا فربه شود.)) و برخاست و بیرون آمد، و مردم را گفت که ((دست و پای او بکشاید و خوردنی آنچه فرمایم پیش او برید و او را گوئید: بخور تا زود فربه شوی.)) چنان کردند که خواجه گفت. خوردنی پیش او بردند و او همیخورد، و بعد از آن هر چه از اشربه و ادویه خواجه فرمودی بدو دادندی و گفتند که ((نیک بخور! که این گاو را نیک فربه کند.)) او بشنودی و بخوردی بر آن امید که فربه شود تا او را بکشند. پس اطبا دست بمعالجت او برگشادند چنانکه خواجه ابوعلی میفرمود یک ماه را بصلاح آمد و صحت یافت. و همه اهل خرد دانند که این چنین معالجت توان کرد الا بفضلی کامل و علمی تمام و حدسی راست.

### ۳- داشتن اعتقاد نیکو

طیبیان باید دارای اعتقادی راسخ به دستورات الهی باشند. برای روشن شدن مطلب دو نمونه از معالجت پزشکان در متون زیر آورده می شود.

۱-۳- از خواجه امام ابوبکر دقاق شنیدم که او گفت: در سال ۵۰۲ یکی از مشاهیر نیشابور را درد قولنج بگرفت و مرا بخواند. به معالجت او مشغول شدم و آنچه در این باب فراز آمد به جای آوردم. البته شفا روی ننمود و سه روز گذشت. نماز شام به صورت ناامید بازگشتم بر آنکه نیمه شب بیمار در گذرد. درین رنج بخفتم. صبحدم بیدار گشتم و شک نکردم که در گذشته بود. به بام بر شدم و روی به آن جانب آوردم و گوش فرا دادم هیچ آوازی نشنیدم. سوره فاتحه بخواندم و از آن جانب بدمیدم و گفتم: «الهی و سیدی و مولای تو گفته ای در کلام میرم و کتاب محکم: «ننزل من

۱۸

القران ما هو شفا و رحمه للمومنین» (۱۰) و تحسر همی خوردم که جوان بود و منعم و متنعم و کام انجالی تمام داشت. پس وضو ساختم و به مصلی شدم و سنت گذاردم. یکی در سرای زد. نگاه کردم همراه آن بیمار بود. بشارت داد که «بگشای» گفتم «چه شد؟» گفت «این ساعت راحت یافت» دانستم که از برکات فاتحه الکتاب بوده است و این شربت از داروخانه ربانی رفته است و این مرا تجربه شد. و بسیار جایها این شربت در دادم همه موافق افتاد و شفا به حاصل آمد.

۱۹

پس طبیب باید که نیکو اعتقاد بود و امر و نهی شرع را معظّم دارد. (۸)

۲-۳- فضل بن یحیی برمکی را بر سینه قدری برص پدید آمد. عظیم رنجور شد و گرما به رفتن به شب انداخت تا کسی بر آن مطلع نشود. جاثلیق هرگونه که در توان داشت به معالجت او برخاست ولی موثر نبود سپس گفت آنچه معالجت بود کردم هیچ اثر نکرد مگر پدر از تو ناخشنود است. پدر را خشنود کن تا من این علت (درد) از تو ببرم. فضل آن شب برخاست و به نزد یحیی رفت و در پای او افتاد و رضای او بطلبید و پدر رضای گشت، جاثلیق او را

بهمان انواع معالجت کرد روی بهبودی گذارد و چندی بر نیامد که شفای کامل یافت. جاثلیق گفت من هر معالجتی بود انجام دادم سود نداشت با خود گفتم این مرد بزرگ لگد از جایی خورده است. بنگریستم هیچکس نیافتم که شب از تو ناخشنود و به رنج خفتی تا اینکه خبر یافتم که پدر از تو بیازرده است. من دانستم که از آن است این علاج بکردم. برفت  
۲۰  
و اندیشه من خطا نبود.» (۸)

از اینجا مشخص می شود چقدر داشتن اعتقاد برای پزشکان می تواند در بهبودی بیماری مؤثر باشد. اگر تخصص پزشکان توأم با تعهد ایشان باشد خداوند نیز آنها را در تشخیص صحیح علاج بیماری کمک می کند. گاهی اوقات داشتن اعتقاد نیکو باعث می شود پزشکان برخورد مناسبی همراه با اخلاق نیکو با بیماران داشته باشند و همین امر باعث بهبودی بیماری شود. چه زیباست پزشکی معلم اخلاق برای بیمار خویش باشد آن موقع دستورات پزشک در اعماق جان بیمار نفوذ کرده باعث می شود بیمار آن دستورات را بطور منظم و دقیق اجرا نماید.

### ارتباط پزشکان با سایرین و اهمیت نقش توکل همراهان بیمار در علاج بیماری

توکل به خداوند از سوی همراهان بیمار بسیار ارزشمند است لذا توصیه شده است هرگاه به عیادت بیمار رفتید. سوره فاتحه را قرائت کنید و سپس شفای بیمار را از خداوند درخواست نمایید.  
در داستان کتیزک و پادشاه در مثنوی چنین بیان شده است پادشاه پس از نومییدی از اسباب ظاهری به درگاه الهی روی می آورد و در عالم رویا متوجه طیب الهی می شود.

۲۱

هر که در مان کرد مرجان مرا  
برد گنج و در و مرجان مرا

لذا پادشاه به عنوان نزدیکان بیمار در نهایت، توکل به خداوند را چاره ساز می داند  
شه چو عجز آن حکیمان را بدید  
پا برهنه جانب مسجد دوید  
رفت در مسجد سوی محراب شد  
سجده گاه از اشک شه پر آب شد  
ای همیشه حاجت ما را پناه  
بار دیگر ما غلط کردیم راه  
لیک گفتی گرچه می دانم سرت  
زود هم پیدا کنش بر ظاهرست

پادشاه می گوید خداوند عالم اسرار و نهان است «انی اعلم غیب السموات و الارض و اعلم ما تبدون و  
۲۳

ما کتتم تکتمون»

۲۴

ولی از باب آنکه خودش فرمود مرا بخوانید «قال ربکم ادعونی استجب لکم» چنین تضرع کردم.

۲۵

چون برآورد از میان جان خروش  
اندر آمد بحر بخشایش بجوش  
در میان گریه خوابش در ربود  
دید در خواب او که پیری رو نمود

در اینجا به خوبی واضح است که اعتقاد به خداوند و توکل بر او از جانب نزدیکان بیمار چقدر در شفای بیمار موثر است.

۲۶

در علاجش سحر مطلق را ببین  
در مزاجش قدرت حق را ببین  
چون رسید آن وعده گاه و روز شد  
آفتاب از شرق اختر سوز شد  
دید شخصی فاضلی پر مایه‌ای  
آفتابی در میان سایه‌ای...

سپس بعد از ملاقات طبیب الهی در ادامه داستان می فرماید.

۲۷

از خدا جویم توفیق ادب  
بی ادب محروم گشت از لطف رب  
هر که بی باکی کنند در راه دوست  
ره زن مردان شد و نامرد اوست  
از ادب پرنور گشتست این فلک  
و از ادب معصوم و پاک آمد ملک

در اینجا کاملاً روشن است که منظور از داشتن ادب در مقابل خداوند همان توجه و توکل به قدرت احدیت است.

#### ارتباط پزشکان با بیماران

##### ۱- حسن برخورد پزشکان و تاثیر آن در معالجه ی بیماران

اولین برخورد پزشک و بیمار یکی از حساس ترین مراحل معالجه است و پایه صحیح موفقیت در امر درمان همان برخورد ابتدایی می باشد، اغلب بیماران به دلیل شناخت از مراتب علمی پزشک به وی مراجعه نمی کنند بلکه بیشتر به سبب علاقه و کشش عاطفی به فلان طبیب مراجعه می نمایند. در بیشتر موارد وقتی درباره پزشکی، از بیمار سوال می شود بیمار به خصوصیات اخلاقی پزشک بیشتر از موارد تخصصی علمی او می پردازد. و صفاتی از قبیل داشتن تواضع، احترام به بیمار، در نظر گرفتن ارزشهای اخلاقی را در خصوص پزشک معالج خود یادآور می شود. این اظهار صمیمیت بین بیمار و پزشک باعث می شود بیمار اطلاعات کافی در اختیار پزشک قرار دهد و موجب تشخیص صحیح بیماری از سوی پزشک گردد همچنین باعث افزایش اعتماد بیمار به پزشک معالج خواهد بود. لذا در کتاب چهارمقاله نظامی عروضی در این خصوص چنین آمده است.

«ما طبیب باید که رقیق الخلق، حکیم النفس و جید الحدس باشد... هر طبیب که شرف نفس انسانی شناسد رقیق

۲۸

الخلق نبود. منظور از رقیق الخلق نرمی خوبی و مهربانی پزشک در برخورد و ملاقات با بیمار می باشد. (۸)

در جای دیگر اشاره دارد:

«طب صنعتی است که بدان صنعت صحت در بدن انسان نگاه دارند و چون زایل شود بازآرند و

۲۹

بیاریند او را ..... به پاکی روی و خوشی بوی و گشادگی (۸)



همچنین در کتاب قابوسنامه در باب «اندر ترتیب علم طب» چنین آمده است.

«[معالج] باید که وصایای بقراط خوانده باشد تا اندر معالجت شرط امانت و راستی بجای تواند آورد و پیوسته خویشتن پاک و جامه پاک و مطیب دارد و چون بر سر بیمار شود با بیـــــمار تـــــازه روی و خوش

۳۰

سخن باشد و بیمار را دلگرمی دهد که تقویت طبیب بیمار را قوت حرارت غریزی بیفزاید (۱۱)

## ۲-راز داری پزشکان

بحث رازداری در سوگند نامه پزشکی نیز آمده است. و این مطلب نشانگر آن است که چقدر رازی داری پزشکان برای علاج بیماران ثمربخش خواهد بود.

«من به خداوند تبارک و تعالی و قرآن کریم سوگند یاد می‌کنم و شرف و وجدان خویش را گواهی می‌گیرم که همواره در پیشه خود در راه پرهیزکاری و درستی گام بـــــرگـــــیرم..... و بیـــــماران از پـــــادرآمده را

۳۱

دستگیر باشم و راز مریضان را با هیچ کس فاش نسازم.» (۱۲)

سپس در جایی دیگر آمده است:

«من سوگند یاد می‌کنم که به احکام مقدس اسلام و حد مورد الهی با دیده احترام بنگرم از خیانت و تضييع حقوق بیـــــماران به طور جـــــدی پرهـــــیز کنم، نسبت به حفظ اسرار آنان جز در مواقع ایجـــــاب ضرورت

۳۲

شرعی پایبندی کامل داشته باشم...»

در روایات ائمه ی معصومین (ع) نیز بر این نکته تاکید شده است.

من ستر علی مسلم ستر... علیه فی الدنيا و الاخره

کسی که [عیب] مسلمانی را بپوشاند خداوند [عیب او را] در دنیا و آخرت آشکار نمی کند.

در داستان مثنوی نیز این نکته (رازداری) حائز اهمیت بوده است

آن طبیب الهی تا با کنیزک روبه رو می شود پس از آنکه علامات ظاهری را مشاهده می کند متوجه بیماری

کنیزک می شود اما آن بیماری را بر سلطان آشکار نمی کند.

۳۳

گفت: هر دارو که ایشان کرده‌اند	آن عمارت نیست ویران کرده‌اند
بی‌خبر بودند از حال درون	استعیذا... مما یفترون
دید رنج و کشف شد بروی نهفت	لیک پنهان کرد و با سلطان نگفت

بیماری را متوجه شد اما آشکار نکرد. سپس برای رعایت رازداری در طبابت خطاب به سلطان گفت:

گفت: ای شه! خلوتی کن خانه را      دور کن هم خویش و هم بیگانه را  
کس ندارد گوش در دهلیزها      تا پرسم زین کنیزک چیزها  
خانه خالی ماند و یک دیار نه      جز طیب و جز همان بیمار نه

در پندنامه اهوای در باب رازداری پزشکان نیز چنین آمده است

«طیب باید راز بیماران را محفوظ دارد و از افشای سر آنها در نزد خود و بیگانه و نزدیکان و دوران، دوری جوید. زیرا بسیاری از بیماران بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می دارند ولی آن را به طیب می گویند.

۳۵

پس طیب باید در کتمان بیماری از خود بیمار هم دقت بیشتری کند. (۱۲ و ۱۰)

### ۳- امانت و درستکاری

رعایت امانت و درستکاری در تمام حرفه ها پسندیده است اما در امور پزشکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا پزشک با عزیزترین چیزها یعنی جان و سلامت جامعه و ناموس مردم در تماس می باشد. لذا با توجه به آنکه پزشک در معرض انحراف و لغزش قرار دارد پیوسته باید در نگهداری صفت پسندیده «درستکاری» در وجود خویش کوشا باشد.

در این خصوص سزاوار است به روایاتی از امام صادق اشاره کنیم. حضرت صادق فرمودند: مردم در کارهای دنیا و آخرت به سه کس نیازمند هستند.

یکی از آن پزشک بصیر و مورد اعتماد (طیب بصیر و ثقه) است

لذا حضرت امام صادق (ع) یکی از ویژگیهای پزشک خوب را مورد اعتماد در نظر گرفته اند.

۴- حضور پزشکان بر سر بالین بیماران در حکم عیادت از بیمار است.

براساس آنچه در اخبار و روایات در ثواب عیادت بیان شده مشخص می شود که منظور از عیادت دیدار مریض است بگونه ای که کمکی به او بشود، به عبارتی دیدار مریض بدون یاری رساندن به او در تهیه دارو، علاج بیماریش، رفع حاجاتش مصداق عیادت نیست. لذا دیدار پزشک پرستار و حضور آنها بر سر بالین بیمار مصداق صریح عیادت محسوب می شود، در روایتی از امام صادق (ع) در اصول کافی آمده است تعدادی قصد عیادت از بیماری داشتند حضرت به آنان فرمود میوه‌ای دارید. آنها اظهار داشتند نه. حضرت فرمودند آیا نمی دانید که مریض به هر چیزی که برایش برید احساس راحتی می کند و خشنود می شود.

تحقیقات نشان داده است حضور بر سر بالین بیمار، محبت کردن به او، کوچک شمردن بیماری، تلقین به سالم

بودن بیمار در بهبودی بیمار بسیار موثر است.

گاهی اوقات بیماران مبتلا به امراض صعب العلاج بر اثر پختگی طیب و تقویت روحی، تامین نیازمندیهای درمانی نگرانیهای آنها ترمیم یافته و از شدت بیماری کاسته می شود.

نمونه‌ای از عیادت حضرت رسول اکرم (ص) که به منظور دلجویی و تقویت روحی به مسلمانی که در بستر بیماری افتاده بود. حضرت به مسلمان فرمودند برای تو در بیماری سه فایده وجود دارد.

۱- بیاد خدای افتی.

۲- دعایت در این حال مستجاب می شود.

۳- بیماری تو کفاره گناهانت خواهد شد.

۳۶

زنده شد او چون پیمبر را بدید      گویی آن دم حق مر ادم آفرید  
تا مرا صحت رسید و عافیت      از قدوم این شه پرخاصیت

یا در جایی دیگر خاقانی در تحفه‌العراقین ویژگی‌های طیب روحانی را در چهره خضر پیامبر(ع) چنین

۳۷

بیان می دارد.

نزدیک	من	از	سر	ارادت	بنشت	به	عادت	و	عیادت
نالانی	این	تن	توان	دید	مجروحی	روح	ناتوان		دید
دست	کرم	نهاد	بر	سر	لو	انزلنا	بخواند		بر
درد	سر	من	سر	زیانش	برد	از	دم	درد	سر
او	کرد	به	کمترین	اشارت	دیوار	شکسته	را		عمارت

تا اینجا بیشتر در خصوص رعایت حقوق بیماران از طرف پزشکان و همراهان بیمار بیان شد. شایسته است مطلبی

نیز از زبان سعدی در خصوص رعایت حقوق پزشکان آورده شود.

## احترام گذاشتن به حقوق پزشکان

ملک‌زاده‌ای ز اسب ادهم فتاد	بگردن درش مهره بر هم فتاد
چو پیلش فرو رفت گردن به تن	نگشتی سرش تا نگشتی بدن
پزشکان بماندند حیران درین	مگر فیلسوفی ز یونان زمین
سرش باز پیچید و رگ راست شد	و گروی نبودی ز من خواست شد
دگر نوبت آمد به نزدیک شاه	نکرد آن فرومایه در وی نگاه
خردمند را سر فرو شد بشرم	شنیدم که می‌رفت و می‌گفت نرم
اگر دی نیچیدی گردنش	نیچیدی امروز روی از منش
فرستاد تخمی بدست رهی	که بایست بر عود سوزش نهی
ملک را یکی عطسه آمد زدود	سرو گردنش همچنان شد که بود
بعذر از پی مرد بشتافتند	بجستند بسیار و کم یافتند
مکن گردن از شکر منعم میبچ	۳۸
	که روز پسین سر بر آری به هیچ

## نتایج و بحث و بررسی

از دیدگاه بزرگان ادب فارسی به ویژه مولانا طبیب انسان والایی است که با مایه گذاشتن از جسم و جان خویش برای درمان دردهای بیماران نهایت تلاش خویش را به کار می‌گیرد. از دیدگاه مولانا پزشک خوب فردی است که حقیقت انسان را با تمام زوایای آن شناخته و به معالجه امراض جسمی و روحی بیمار می‌پردازد. لذا شناخت گوهرهای ارزنده دریای بیکران ادب فارسی و ظرایف و دقایق آن راهگشای پزشکان مخصوصاً پزشکان جوان بوده باعث رشد و سلامت جامعه می‌شود.

والسلام

## پاورقی ها

- ۱- پیامبر اکرم(ص) طب امام صادق (ع) ص ۱۷ به نقل از کتاب تاریخ پزشکی ص ۱۲۷ اصول کافی ج ۱ ص ۳۷ در شرح حدیث مجارالانوار ج ۱ ص ۲۲۰
- ۲- لیلی و معنون ص ۲۷
- ۳- کلبله و دمنه ص ۴۴
- ۴- همان ص ۴۶
- ۵- سفینه البحار ج ۷۸ ص ۲۳۵ به نقل از تاریخ اخلاق پزشکی ص ۱۲۷
- ۶- استثنا همان عبارت ان شاءالله است
- ۷- قسوت، غفلت سخت، قساوت
- ۸- مثنوی ایات ۴۹ و ۵۰
- ۹- مثنوی ایات ۴۶ و ۴۷
- ۱۰- مثنوی ایات ۴۸، ۵۱، ۵۳ و ۵۴
- ۱۱- همان ان شاءالله
- ۱۲- بحرا، سرمستی و غرور
- ۱۳- سرکنگبین دافع صفر است
- ۱۴- هلیله میوه درختی است که روان کننده مزاج است
- ۱۵- ذخیره خوارزمشاهی ص ۱۷
- ۱۶- چهار مقاله ص ۱۰۶
- ۱۷- همان ص ۱۰۶ و ۱۰۷
- ۱۸- سوره اسرا آیه ۸۴
- ۱۹- چهار مقاله ص ۱۰۹
- ۲۰- چهارمقاله ص ۱۲۳
- ۲۱- مثنوی بیت ۴۵
- ۲۲- مثنوی ایات ۵۵، ۵۶، ۵۹ و ۶۰
- ۲۳- سوره بقره آیه ۳۳
- ۲۴- سوره غافر آیه ۶۰
- ۲۵- مثنوی ایات ۶۱ و ۶۲
- ۲۶- مثنوی ایات ۶۵، ۶۶ و ۶۸
- ۲۷- مثنوی ایات ۷۸، ۹۰ و ۹۱
- ۲۸- چهارمقاله ص ۱۰۶
- ۲۹- همان ص ۱۰۶
- ۳۰- قابوس نامه ص ۱۸۱

- ۳۱- سوگندنامه دانشکده پزشکی تهران به نقل از اخلاق پزشکی ص ۱۸۸
- ۳۲- سوگندنامه تنظیمی توسط معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت؛ درمان و آموزش پزشکی به نقل از اخلاق پزشکی به نضمام نقدی از تاریخ پزشکی ص ۲۷۹
- ۳۳- مثنوی ایبات ۱۰۶ و ۱۰۴
- ۳۴- مثنوی ایبات ۱۴۴ و ۱۴۶
- ۳۵- پندنامه اهوازی به نقل از اخلاق پزشکی ص ۲۸۹
- ۳۶- مثنوی ایبات ۲۲۵۳ و ۲۲۵۴
- ۳۷- تحفه العراقین ص ۵۶
- ۳۸- کلیات سعدی ص ۳۴۹

## فهرست منابع

- ۱- نفیسی؛ ابوتراب؛ تاریخ اخلاق پزشکی؛ دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ۱۳۷۱.
- ۲- اصول کافی؛ ثقه الاسلام کلینی؛ با ترجمه و شرح جواد مصطفوی؛ تهران؛ دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)
- ۳- لیلی و مجنون؛ حکیم نظامی گنجه ای؛ به تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی به کوشش سعید حمیدیان؛ تهران؛ انتشارات قطره ۱۳۸۰
- ۴- منشی؛ نصر...؛ کلیله و دمنه؛ توضیح و تصحیح مجتبی مینوی؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۶۲
- ۵- مثنوی؛ مولانا جلال الدین محمد بلخی؛ توضیحات و تعلیقات جامع و فهرست ها از محمد استعلامی؛ تهران. زوار؛ ۷۵-۱۳۷۴.
- ۶- شرح مثنوی شریف؛ تالیف بدیع الزمان فروزانفر؛ تهران؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۷۳
- ۷- زمانی؛ کریم. شرح جامع مثنوی معنوی؛ تهران؛ موسسه اطلاعات؛ ۱۳۷۲
- ۸- نظامی عروضی؛ احمد بن عمر بن علی؛ به اهتمام دکتر محمد معین؛ تهران؛ امیرکبیر ۱۳۶۶
- ۹- ذخیره خوارزمشاهی در کلیات طب؛ تالیف اسماعیل بن حسن الحسینی الجرجانی؛ به کوشش محمد تقی دانش پژوه؛ ایرج افشار؛ تهران؛ المعی؛ ۱۳۸۰
- ۱۰- قرآن کریم
- ۱۱- قابوس بن وشمگیر؛ عنصرالمعالی کیکاووس؛ قابوس نامه؛ به اهتمام غلامحسین یوسفی؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران؛ ۱۳۶۴.
- ۱۲- وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی؛ اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی؛ چاپخانه سپهر؛ ۱۳۷۰.
- ۱۳- کلیات سعدی؛ سعدی؛ با تطبیق نسخه ی محمد علی فروغی؛ تهران؛ انتشارات نگاه؛ ۱۳۷۲.
- ۱۴- تحفه العراقین خاقانی شروانی؛ حواشی و تعلیقات دکتر یحیی قریب؛ تهران؛ چاپ سپهر. ۱۳۵۷.